

# نگاهی کوتاه به تاریخچه جشن‌های نوروز

فاطمه فراقی \*

Fatima\_feragh@yahoo.com

مقدمه:

حبوبات و پرورش گونه‌های مختلف میوه است، هرکدام در فصل‌های متفاوت کشت و بهره‌برداری می‌شوند. گاهی چند نوروز یا سال نو کشاورزی دارند، مثلاً سال نوی کشاورزان ایران باستان در آغاز فصل‌های پاییز و بهار بوده است.

به اعتقاد میرچا الیاده (۱۹۷۴: ۵۱) - یکی از محققان برجسته‌ای که درباره اساطیر تحقیقات گسترده‌ای انجام داده - این جشنها به این معناست که تقسیم بندی زمان را آیین‌هایی معین می‌کند که ناظر بر نگهداشت و احیای ذخایر خوراکی می‌باشد. نوروز ایرانی که در آغاز فصل بهار جشن گرفته می‌شود، پیام آور نوشدگی سال، فرارسیدن گرما، مرگ زمستان، باززایی طبیعت و خروج انسان از عالم خمودگی و پیوستن به طبیعت است.

وابستگی انسان به طبیعت بیشتر به سبب نقش و تأثیر آن در زندگی اجتماعی و اقتصادی او است. هر یک از فصل‌های سال، نقش و اثری خاص در شکل‌دادن فعالیت‌های مردم در جامعه دارد. مثلاً زمستان سرد و پربرف و باران در ایران، فصل توقف کارها در مزرعه و صحرا و کوه و کوهستان و ماندن و آرمیدن در خانه است و برخلاف آن، بهار، تابستان و اوایل پاییز فصل کار و کوشش در بیرون خانه و کارورزی در کشتزارها و کوه و دشت است. کشاورزان و دامپروران، فصل سرما را دور از جمع و فصل بهار و گرما را در جمع و در پیوند با یکدیگر می‌گذرانند. در سرزمین‌هایی که تنوع آب و هوایی دارند و خاکشان مستعد کشت انواع غلات و

\* پژوهشگر

دگرگونی طبیعت در گردش سال و نقش آن در زندگی

اجتماعی و اقتصادی مردم واکنشهای نمادینی را در فرهنگ رفتاری مردم پدید آورده که در مجموعه‌ای از آیین‌ها و آداب و رسوم از جمله نوروز یا در جشن مهرگان منعکس شده‌اند. بسیاری از رفتارهای آیینی و نمادین مربوط به سال نو با اسطوره‌های موجود در میان مردم سرزمین ایران ارتباط دارند، به عبارت دیگر خاستگاه و بن‌مایه بسیاری از رفتارهای آیینی-آرامانی مربوط به دوران سیطره فرهنگ اساطیری است. این رفتارهای آیینی-آرامانی در گذر زمان دگرگون شده و در هر دوره و مکان صورت و معنای خود را با ساختار اجتماعی-فرهنگی جوامع آن دوره و مکان تطبیق داده و در رهگذر این سازگاری چیزهایی از دست داده و چیزهایی تازه گرفته و به شکل کنونی درآمده است.

برخی آیین‌های برخاسته از سنت‌های رایج در دوران نیز معنا و مفهوم و کارکردشان را در زندگی مردم امروز از دست داده‌اند و دیگر کارآمد و سودمند نیستند و به صورت "بقایای فرهنگی" (Cultural Survivals) غیر فعال باز مانده‌اند. برخی دیگر از آیین‌ها نیز هنوز در زندگی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و در حیات دینی و مذهبی و رفتارهای معنوی مردم جامعه، فعال باقی

مانده و نقش و معنای خود را حفظ کرده و در انسجام و تحکیم روابط میان افراد و گروه‌های اجتماعی کارساز و مؤثرند. آیین‌های نوروزی از آن دسته رفتارهای فرهنگی هستند که برخی هنوز در جامعه کنونی ایران بازمانده و کم و بیش کارکرد و نقش کارآمد و سودمند خود را میان گروه‌های مختلف مردم حفظ کرده‌اند. در ادامه این مقاله به تاریخچه برخی از آیین‌های نوروز نگاهی می‌اندازیم.

### تاریخچه، خاستگاه و پیشینه اسطوره‌ای نوروز

#### الف: دوره باستان

در ایران باستان نوروز در آغاز فروردین و فصل بهار، هم جشن اهورا مزدا، ایزد بزرگ دین مزدیسنا بوده که در روز اورمزد (نخستین روز از نخستین ماه سال) برگزار می‌شد و هم نوروز روز آفرینش جهان و کائنات و انسان به شمار می‌رفت. نوروز به بیان ابوریحان بیرونی روز "نوزایی آفرینش" محسوب می‌شد (بیرونی، ۱۳۱۸: ۲۵۶) و به روایت شمس الدین محمد دمشقی روز "آفرینش نور" و روزی است که مردم را در این "روزی نو از ماهی نو و سالی نو" به آراسته و نورگردانیدن آنچه که گذشت زمان، کهنه کرده بر می‌انگیزانند. (دمشقی، ۱۳۵۷: ۴۷۲). و معتقد بودند که در نوروز مقدرات مردم برای یک سال تعیین و

استوار می شود. (الیاده،  
۱۹۷۴: ۵۱)

نوروز یکی از  
بزرگترین جشنهای

نوروز یکی از بزرگترین جشنهای ایرانیان است که از  
دیرباز در این کشور برگزار می شده و آیین های  
خاص خود را داشته است.

خورشید و ماه را آفریده  
است. پیوند نوروز با  
جمشید، از سویی به  
کهنسال بودن آن و از

ایرانیان است که از دیرباز در این کشور برگزار می شده و  
آیین های خاص خود را داشته است. بیشتر روایات  
اسطوره ای - افسانه ای ایران، دوره پیشدادی را زمان  
پیدایی نوروز و جمشید، چهارمین پادشاه پیشدادی را  
بنیانگذار نوروز و آیین نوروزی به شمار آورده اند.  
دوران جمشید در یشت ها (۱) دوران طلایی به شمار آمده  
است. در آن دوران خوردنیها کاهش نمی یافت،  
چهارپایان و مردمان نمی مردند، گیاهان نمی خشکیدند و  
سرما، گرما، پیری و رشک وجود نداشتند. جمشید بر  
هفت کشور زمین فرمان می راند و نیکبختی، شهرت، گله  
و رمه، خشنودی و حرمت را از دیوان گرفته بود. پس  
آنگاه که دروغ گفت، فره (۲) به صورت مرغی از پیش او  
بیرون رفت. (تفضلی، ۱۳۷۶: ۵۸-۴۸)

جمشید شخصیتی این جهانی و محبوب ترین چهره  
در دوران کهن ایرانی بود. او همه آفریده های مادی را از  
آن خود برمی شمرد و مدعی بود که آب و گیاه و

سویی دیگر به محبوب بودن چهره جمشید و خاطره  
خوشی که او در ذهن مردمان به جای گذاشته بود، اشاره  
دارد. افسانه های بسیاری درباره جمشید و چگونگی  
پیدایش نوروز و آیین نوروزی در تاریخ و ادبیات ایرانی  
- اسلامی آمده است. فردوسی در داستان پدید آمدن  
نوروز نقل می کند که وقتی جمشید از کارهای کشوری  
بیاسود، بر تخت کیانی نشست و همه بزرگان لشکری و  
کشوری برگرد تخت او فراهم آمدند و بر او گوهر  
پاشیدند. جمشید آن روز را که نخستین روز از فروردین  
و آغاز سال بود "نوروز" نامید و جشن گرفت.

ابوریحان بیرونی پیدایش نوروز و جشن گرفتن در آن  
روز را به گفته برخی از علمای آن زمان به سبب تجدید  
دین و احیای دین قدیم به فرمان جمشید می داند، لیکن  
خود به کهن تر بودن نوروز و رسم آیین نوروزی در پیش  
از دوره جمشید باور دارد. او می نویسد: "سبب نام این

۱- (Yašt- hā) یکی از بخش های پنجگانه اوستا

۲- شأن و شوکت و شکوه و عظمت ایزدی

روز به نوروز این است که در زمان تهمورث، صائبه(۱) آشکار شدند و ملک جمشید دین را نو کرد و این روز را روزی بزرگ نامیدند و نوروز روز تازه ای شد و عید شد. گرچه پیش از آن هم نوروز بزرگ بود. (بیرونی، ۱۹۲۳م: ۲۱۶)

روایات اسطوره‌ای- افسانه ای جملگی این واقعیت را نشان می‌دهد که اولاً جشن نوروز رسم و آیینی کهن و از دوران پیش از تاریخ در میان مردم ایران شناخته شده است، ثانیاً نوروز جشن نو شدگی سال و زمان تجدید حیات طبیعت بود.

از پیشینه و خاستگاه تاریخی نوروز و آیین های آن در دوره های کهن، آگاهی های مکتوب بسیار و دقیقی در دست نیست. بی تردید نوروز و جشن نوروزی یک آیین کهنسال همگانی و مربوط به پدیده نوگشتگی سال و دگرگونی طبیعت از حالتی به حالتی دیگر در میان اقوام مختلف جهان و بومیان ایران، پیش از آمدن آریاییها به این سرزمین بوده است. مهرداد بهار نویسنده کتاب "از اسطوره تا تاریخ" نوروز را سنت کهن و محتملاً رایج در

۱- صائبه (یا صابئین sâbeyen) که در قرآن ذکر آنها آمده، فرقه واسطه بین یهودیان و مسیحیان هستند و از اهل کتاب به شمار می‌روند.

هزاره سوم پیش از میلاد در منطقه بین النهرین دانسته و می نویسد: "این آیین یا همراه با کوچ بومیان نجد ایران به بین‌النهرین به آن سرزمین رفته، یا همان زمان در سراسر منطقه وجود داشته است."

محمد معین نیز معتقد است در "جشن نوروزی" در هر یک از دو فصل تابستان هفت ماهه و زمستان پنج ماهه سال، جشنی بر پا می‌کردند که هر دو آغاز سال نو به شمار می‌رفت. جشنی که به هنگام آغاز فصل گرما بود و در زمانی که گله‌ها را از آغل‌ها به چمن‌های سبز و خرم می‌بردند و جشنی که در آغاز فصل سرما و هنگامی بود که گله‌ها را به آغل‌ها می‌آوردند و توشه روزگار سرما را فراهم می‌کردند. نوروز در فرهنگ‌های منطقه و در میان اقوام سامی نیز از کهن‌ترین زمان‌ها شناخته می‌شد و بسیاری از مردمان جوامع عرب دوران جاهلی، آن را جشن می‌گرفتند. (معین، ۱۳۲۵: ۶)

الوسی در "بلوغ الارب"، نوروز و مهرگان را دو عید مردم مدینه در پیش از ظهور اسلام معرفی می‌کند و می‌نویسد: "مردم مدینه، پیش از اسلام، دو عید داشتند، نوروز و مهرگان، و چون رسول(ص) به مدینه آمد و بر آداب و رسوم ایشان در این دو عید آگاه شد، فرمودند:

خدای تبارک و تعالی به جای این دو عید، بهتر از آن را به شما ارزانی داشته که یوم الفطر و یوم النحر است." (اذکایی، ۱۳۵۳: ۱۴)

در نوشته‌های پهلوی و

در نوشته‌های پهلوی و مانوی از نوروز، جشن اول سال نو بسیار سخن رفته و در تخت جمشید نیز که یک مرکز آیینی - دینی بوده، مراسم نوروز برگزار می‌شد

گاه شماری همگانی در میان توده مردم به کار می‌رفته است.

سید حسن تقی‌زاده درباره گاه‌شماری رایج در دوره هخامنشیان می‌

مانوی از نوروز، جشن اول سال نو بسیار سخن رفته و در تخت جمشید نیز که یک مرکز آیینی - دینی بوده، مراسم نوروز برگزار می‌شد. براساس پژوهش‌هایی که روی آثار سنگ نگاره‌ها و کتیبه‌های بازمانده از دوره هخامنشیان صورت گرفته، مردم آن دوره با نوروز به خوبی آشنا بودند و آن را به عنوان آیینی کهن به هنگام گردش سال، جشن می‌گرفتند. موضع نوروز و سال نو و برپایی آیین نوروزی در طول دوره هخامنشیان به سبب کاربرد گاه‌شماری‌های چندگانه مورد اختلاف است. برخی محققان برگزاری نوروز را در آغاز پادشاهی داریوش، در اوایل تابستان و در اواخر پادشاهی او در اول بهار می‌دانند. در دوره هخامنشی (از ۵۵۹ تا ۳۳۰ پیش از میلاد)، بنا بر پژوهشهایی که تاکنون انجام شده سه نوع گاه‌شماری رسمی در میان درباریان و دو

نویسد: "سال و ماهی که سلاطین هخامنشی استفاده می‌کردند، همان سال و ماه بابلی بود که با اسامی ماه‌ها در الواح گلی تخت جمشید به جای مانده است. این سال قمری و شمسی بود که اول آن اغلب بین ۲۳ حوت و ۲۴ حمل جلو و عقب می‌رفت و این سال و ماه هخامنشیان گاه‌شماری رسمی بوده و گمان می‌رود تا آخر دولت آن سلسله در دو اثر دولتی و دربار معمول بوده ولی در میان مردم عامه همان دو گاه‌شماری دیگر یعنی سال قدیم زرتشتی یا گاه‌نبارها در مشرق و جنوب میان پیروان اهورمزد و فرشتگان او و سال قدیم مغان یا مجوس با اعیاد مهرگان و اول سال، در حوالی آغاز بهار در شمال و مغرب، میان پیروان میترا و ناهید از خدایان قدیم آریایی‌ها جاری بود. (تقی‌زاده، ۱۳۴۹: ۲۰۸ - ۲۰۹)

آرتور امانوئل کریستنسن ( Artur Emanuel



در اعتدال بهاری آغاز  
می‌شد. این سال (سال  
اوستایی جدید) سال  
دین زرتشتی نام

گرفت و تا امروز نزد پارسیان حفظ شده است. اما یک  
سال اوستایی قدیم نیز وجود داشته و آن سال دهقانی بود  
که شش گاهنبار یا جشن های فصلی بدان تعلق داشت و  
در تقویم پارسیان بر جای مانده است. این سال اوستایی  
قدیم در انقلاب تابستانی آغاز می‌شد، سپس زمانی پیش  
از دوره ساسانیان یا در همان دوره با مصالحه ای میان  
تقویم دینی و تقویم عامه سال جدیدی پیدا شد که مانند  
سال عامه در اول فروردین آغاز می‌شد، و این تاریخ با  
اعتدال بهاری تطبیق داده شده بود به طوری که آغاز  
نجومی سال دینی سنتی حفظ شد و این سالی است که  
پارسیان آن را تا به امروز حفظ کرده اند. روز اول سال  
در اعتدال بهاری، اول فروردین، عید نوروز است. با این  
همه در دوران ساسانیان همچنان به برگزاری جشن خرم  
روز در اول دی ادامه می‌دادند.

(کریستنسن، ۱۳۶۸: ۴۷۸)

در زمان اشکانیان (از ۲۵۰ پ م تا ۲۲۶ م) و ساسانیان

۱۹۴۵-۱۸۷۵ (Kristensen) مستشرق دانمارکی که از  
سال ۱۹۰۳ میلادی استاد پژوهشهای ایرانی در دانشگاه  
کپنهاک بود، در سال ۱۹۱۴ به منظور جمع آوری نسخه  
های خطی به ایران سفر کرد. وی کتابهای مهمی درباره  
فرهنگ و دین و زبان ایران نوشته که برخی آثار او "ایران  
در زمان ساسانیان" و "مزدا پرستی در ایران" به فارسی  
ترجمه شده اند. کریستنسن در کتاب خود "نخستین  
انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه ای ایران" معتقد  
است که جشن سال نوی ایرانیان باستان در اوایل دوره  
هخامنشی، آغاز پاییز بود و در اواخر پادشاهی داریوش  
اعتدال بهاری را آغاز سال جشن می‌گرفتند. او در بررسی  
و تحلیل این موضوع به تفصیل چنین می‌نویسد: "سال  
ایرانیان باستان به صورتی که آن را در سنگ نوشته‌های  
داریوش در بیستون می‌بایم در پاییز آغاز می‌شد و جشن  
بسیار معروف مهرگان ایرانیان باستان در اصل، جشن اول  
سال ایرانیان بوده است. اما در همان هنگام و در حدود  
اواخر فرمانروایی داریوش، ایرانیان که تحت تأثیر تمدن  
آسیا، مقدم بر سرزمینهای مدیترانه قرار گرفته بودند،  
تقویم مصری را پذیرفتند که بر اساس آن، سال به دوازده  
ماه سی روزه به علاوه پنج روز اضافی تقسیم شده بود و

(از ۲۲۴ تا ۶۵۲ م)، مردم، نوروز را بنابر سنتهای رایج در فرهنگ ایرانی، در آغاز سال جشن می‌گرفتند. در این دوره نیز همچون گذشته جایگاه نوروز در میان مردم در یک روز معین سال استوار نبود و در فصول سال می‌گشت و هر چهار سال یک روز از محل فصلی پیشین خود عقب‌تر می‌رفت؛ مثلاً در سال ۱۱ هجری قمری برابر با ۶۳۲ میلادی، هنگامی که یزدگرد سوم (آخرین پادشاه ساسانی) بر تخت نشست، نوروز به شانزدهم خریران رومی (ماه نهم از سال سریانی) و چهار روز پیش از تابستان بود. (تقی‌زاده، ۱۳۴۹: ۲۰۴-۲۰۵)

فخرالدین اسعد گرگانی مطالبی برای تعیین وقت مناسب برای عروسی و تعیین روزی در اوایل بهار آورده که طی آن از نوروز و نوبهاران در آذرماه یاد می‌کند و مطالب او ظاهراً مربوط به زمان اشکانیان یا ساسانیان است.

ابوریحان بیرونی در "التفهیم" در شرح رسم برنشستن کوسه در آغاز بهار به ثابت نبودن گاهنما در زمان ساسانیان اشاره می‌کند و می‌نویسد: "آذر ماه به روزگار خسروان، اوایل بهار بوده است." (بیرونی، ۱۳۱۸: ۲۵۶)

نوروز و جشن نوروزی در میان ایرانیان چنان اهمیت

داشت که برخی از جشنهای مهم را به شمار روزهایی که نوروز تا نوروز فاصله داشت، می‌خواندند. مثلاً "سده" (۱) را به این سبب سده می‌نامیدند و جشن می‌گرفتند که در روز اهورمزد از دی ماه جشن می‌گرفتند، جشنی که در آن "پادشاهان از تخت فرونشسته، جامه های سپید پوشیده و با دهقانان و کشت کاران هم خوراک شوند و صاحبان و پرده داران در میان نباشند". خرم روز را "نوروز" نیز می‌خواندند، چون از آن روز تا نوروز ۹۰ روز باقی بود. (بیرونی، ۱۳۳۳: ۳۴۴-۳۴۵)

#### ب: دوره اسلامی

ایرانیان مسلمان، نوروز را همچون نیاکان غیر مسلمان خود جشن می‌گرفتند و در برگزاری آیین های نوروزی در آغاز بهار سخت می‌کوشیدند. در سرزمین های اسلامی سه گونه عید در آغاز سال وجود داشت:

۱- آغاز سال ایرانی یا شامی که مصادف با اوایل بهار بود.

۲- آغاز سال قطبی (در مصر) که به آخر اوت (نهم شهریور) می‌افتاد.

۳- آغاز سال هجری قمری که هر سال متفاوت بود.

۱- سده روز دهم بهمن، چهل روز پس از زمستان و در پایان چله بزرگ زمستان است. در سده چهلگی دوباره خورشید را پس از شب یلدا جشن می‌گیرند و در آن آتش می‌افروزند.

بر این عیدها باید آغاز سال  
 ایرانی قدیم که آغاز تابستان  
 بود را نیز افزود.  
 (متز، ۱۳۶۲: ۱۶۲-۱۶۳)  
 مردم نومسلمان آن  
 روزگاران ایران و حکومت‌های  
 ایرانی محلی در دوره عباسیان

در دوران اسلامی به ویژه در دوره صفوی ( ۹۰۷  
 تا ۱۱۴۸ ق)، جشن و آیین‌های نوروزی با برخی  
 از آیین‌ها و آداب اسلامی در آمیخت و رنگ تازه  
 و مفهوم دینی گرفت

برخی از این چیزها حرام  
 و بعضی مکروه اما  
 صورت حیوان حرام است  
 اما آنچه برای نوروز و  
 سده فروشد چون سپر و  
 شمشیر چوبین و بوق  
 سفالین، این نفس خود

و حکومت‌های توانمند ایرانی پس از عباسیان به ویژه  
 سامانیان ( ۲۶۱ تا ۳۸۹ ق ) در خراسان بزرگ و بوئیان ( ۳۲۰  
 تا ۴۴۸ ق) در ایران جنوبی و عراق در زنده و پویا  
 نگهداشتن نوروز و آیین‌های نوروزی در میان جامعه  
 مسلمانان نقش بسیار مهمی داشتند. پرویز اذکایی کوشش  
 بوئیان را در نگهداری آداب و رسوم و جشنهای ایرانی به  
 خصوص نوروز و مهرگان و سده، چشمگیرتر و مؤثرتر  
 از حکومت‌های پیشین آن می‌داند. دانشمند و فقیه دوره  
 سلجوقی، محمد غزالی (۴۵۰ تا ۵۰۵ ه.ق) دستاویزهای  
 ایرانیان غیرمسلمان را تبلیغ دین گبران می‌دانست و جایز  
 نمی‌شمرد و می‌گفت: "... و چنگ و چغانه و صورت  
 حیوانات فروشد برای کودکان در عید و شمشیر و سر  
 چوبین فروشد برای نوروز و بوق سفالین برای سده ... !

حرام نیست ولیکن اظهار شعار گبران حرام و مخالف  
 شرع است و هرچه برای آن کنند، نشاید...".

(غزالی، ۱۳۶۱: ۵۲۱-۵۲۲)

بیان غزالی در بازداشتن مسلمانان از خرید اسباب و  
 بازیچه‌های ایرانی پیش از اسلام در عیدهای نوروز و  
 سده رواج بسیار زیاد این جشنها و جاذبه آیین‌های  
 نوروزی در میان ایرانیان مسلمان آن زمان را نشان می  
 دهد. نوروز و سده در میان مردمان آن روزگار اعتبار و  
 ارزشی داشت که غزالی فتوا داد که "نوروز و سده باید  
 که مندرس شود و کسی نام آن را نبرد."

از کارهای اساسی و برجسته در دوره اسلامی و زمان  
 سلجوقیان، پایان دادن به گردش ماه‌ها در سال و  
 قراردادن نوروز به طور ثابت در روز اول بهار به نجومی،





یعنی نخستین روز از ماه فرورین بود که در آن خورشید به برج بره (اول بهار و نوروز) اندر می شود و روز و شب برابر می گردد. نابسامانی گاه شماری و متغیر بودن ماههای سال در روزگار پادشاهی جلال الدین ملکشاه سلجوقی به سامان رسید. او در سال ۴۶۷ قمری به هشت تن از اخترشناسان و ریاضی دانان بزرگ زمان خود، از جمله حکیم عمر خیام، مأموریت داد تا گاهشماری ایران را اصلاح کنند. این گروه، نوروز را در اول بهار قرار دادند و جایگاه آن را برای همیشه ثابت نگه داشتند. از آن پس تقویمی به نام تقویم جلالی یا ملکی که نزدیک ترین گاه شماری های جهان به سال حقیقی خورشیدی است، در ایران رواج یافت و نوروز بر اول بهار و ماه فروردین استوار شد.

در دوران اسلامی به ویژه در دوره صفوی (۹۰۷ تا ۱۱۴۸ ق)، جشن و آیین های نوروزی با برخی از آیین ها و آداب اسلامی در آمیخت و رنگ تازه و مفهوم دینی گرفت. برای اعتبار بخشیدن به رفتارهای مسلمانان در آیین های نوروزی و شرعی و روا دانستن آنها، مجموعه ای حدیث و روایت در چگونگی پیدایی نوروز و ارزش و اعتبار و تقدس آن نقل و گردآوری کرده اند. این حدیث ها و روایات، شأن و منزلت نوروز و آیین های مربوط به آن را در نزد شیعیان ایران بیش از پیش بالا برد و به آنها اهمیت بخشید. بنابر روایت های علمای شیعه، نوروز روز مقدس و الهی به شمار آمده است. علامه محمد باقر مجلسی به نقل از امام جعفر صادق (ع) نوروز را روزی فرخنده و خجسته و روزی که در آن آدم آفریده شده، معرفی می کند. او به نقل از حضرت موسی بن جعفر (ع)، نیز می گوید: خداوند در نوروز آفتاب را برتاباند و بادهای را فرمان داد تا بوزند و ابرها را گفت که ببارند تا گل و گیاه روی زمین برویند. در این روز ابراهیم بت ها را

---

۱- مسلمانان ایران روز جلوس علی (ع) را نیز در روز نوروز دانسته اند. تقی زاده روز جلوس حضرت علی (ع) به خلافت را روز ۱۷ یا ۱۸ ذی الحجه از سال ۳۵ هجری، مطابق ۷ یا ۸ فروردین ماه می داند.

شکست و فروریخت. بنابر روایتی دیگر نیز، در این روز به سال دهم هجرت، حضرت محمد (ص) امیرمؤمنان علی (ع) را در غدیر خم به جانشینی خود و به عنوان خلیفه مسلمانان برگزید و به امتش معرفی کرد(۱).  
(بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۳۳)

### پیشینه آیین یادآوری مردگان

بزرگداشت روان درگذشتگان و یادآوری مردگان در آخرین روزهای پایان سال، به ویژه در آخرین شب جمعه سال کهنه، بازمانده‌ای از آئین‌های نیاپرستی در جامعه‌های دوران ایران باستان است. پارتیان که در سرزمین خاور ایران می‌زیستند و بنیانگذار دولت اشکانی بودند، از پیش از آمدن به ایران، ارواح نیاکان خود را می‌پرستیدند. آنها پس از پذیرش دین مزدیسنا همچنان مطابق مذهب قدیمشان به آئین نیاپرستی و نیایش روان نیاکان ادامه می‌دادند.

آثاری از آئین‌های کهن نیاپرستی و مراسم یادآوری مردگان را به شکل‌ها و رسم و آئین‌های گوناگون در میان همه اقوام از جمله میان پیروان دین‌های بزرگ جهان، مانند زرتشتی، مسیحی و اسلام می‌توان مشاهده کرد. زرتشتیان "فروردگان" دوره ده روز، پنج روز آخر ماه،

دوازدهم سال (اسفند) و پنج روز "وهیجک" یا "پنجک" پس از آن را، مسیحیان "عید مردگان"، روز دوم ماه نوامبر و پایان برداشت محصول و "یکشنبه اموات"، چهارمین یک شنبه از چله پیش از عید پاک (روز پرهیز) و مسلمانان "لیله الرغائب" یا "شب رغائب"، شب نخستین جمعه ماه رجب و شیعیان ایران "شب جمعه" هر هفته و شب آخرین جمعه یا آخرین روز سال کهنه را، که عامه مردم اصطلاحاً "روز علفه" (عرفه) می‌نامند، به یاد مردگان و پذیرایی از ارواح آنان و اعتراف به گناهان به دعا و نیایش می‌گذرانند. در قدیم رسم بود که خوردنی و میوه نیز همراه فانوس و آتش روی بامهای خانه و درون اتاقها و بر سر گور مردگان در گورستان‌ها می‌گذاشتند و دسته‌های گیاه و سبزه را سر بامها می‌آویختند. ابوریحان بیرونی در این باره می‌نویسد: "مردم در روزهای ویژه فروردگان برای روان‌های مردگان خورش و شراب می‌نهادند و می‌گفتند که مردگان می‌آیند و از آن غذا می‌گیرند." (بیرونی، ۱۳۱۸: ۲۵۶)

آداب پذیرایی از ارواح مردگان و یادآوری مردگان و یادآوری آنان از جمله آئین‌های مربوط به پایان سال و آغاز سال نو هستند که در میان بیشتر قوم‌های جهان،

پیشینه و کاربرد دارد.

## آیین‌های نوشدگی سال



برخی "سین" را کوتاه شده واژه سینی می‌دانند و می‌گویند در زمان قدیم مائده‌های تازه و خشک زمینی را در هفت سینی یا هفت خوان مسین می‌چیدند و در نوروز به حضورشاهان می‌بردند. هر یک از این مائده‌ها نمونه یکی از محصولات بود که در سرزمین ایران به دست می‌آمد. همچنین، گفته‌اند امشاسبندان، هفت فرشته مقدس دین مزدیسنا در ده روز فروردگان از ۲۶ اسفند تا ۵ فروردین، از جهان مینوی فرود می‌آمدند و مردم هفت خوان از مائده‌های زمینی برای آنها مهیا می‌کردند. ظاهراً رسم گستردن سفره در نوروز و چیدن هفت نوع خوراکی بر روی آن بازمانده رسمی کهن است و شماره هفت نیز تمثیلی است از هفت ایزد دین مزدیسنا. زرتشتیان ایران خوان نوروزی را با سه سینی، هر یک حاوی هفت گونه

"گستردن خوان نوروزی (یا سفره نوروزی) در هنگام گشتن سال کهنه به نو و گزیدن هفت نوع خوراکی گوناگون و چیدن آن روی سفره، از رسم‌های ویژه و عمومی در نوروز بوده است. دمشقی درباره آداب نوروزی در دربار ساسانی می‌نویسد: "در پگاه نوروز مردی با خوانی نقره به مجلس نوروزی پادشاه وارد می‌شد که بر آن از گندم و جو و باقلا و ماش و کنجد و برنج هر یک هفت خوشه و هفت دانه و نیز پاره ای شکر و دینار و درهم درست گذاشته بودند و آن را پیشاپیش پادشاه می‌گذاشت." (دمشقی، ۱۳۵۷: ۴۷۲)

در بیشتر مناطق ایران در تحویل سال "سفره هفت سین" می‌گسترند و هفت نوع خوراکی که نخستین حرف نام هر یک "سین است" مانند سبب، سنجد، سمنو، سرکه، سماق، سیریا سیاه دانه روی آن می‌چینند. در برخی از روستاهای فارس و خراسان "سفره هفت میم" (۱) و "سفره هفت شین"، از هفت گیاه و میوه می‌گسترند.

۱- خوراکی‌های مرغ، ماهی، میگو، مسقطی، موز، مویز و مدنی (لیمو شیرین) سفره هفت میم شیرازی‌ها را می‌آراست.

شیرینی و میوه تازه و خشک به نشانه هفت فرشته امشاسبند می‌آریند و باور دارند که این فرشتگان در فروردگان از جهان

از رسم‌های کهن ایرانیان در نوروز رسم آب پاشی به یکدیگر و یا آب تنی و شست و شوی خود با آب بوده است

مینوی به جهان خاکی فرود می‌آیند و بر سر خوان نوروزی با آنان می‌نشینند. روی سفره نوروزی افزون بر هفت خوراکی، آینه، لاله، شمع، قرآن، (در خوان مسلمانان) و اوستا (در خوان زردشتیان)، جامی پر از آب- که در آن چند برگ سبز شمشاد و نارنج انداخته‌اند- یک جام با ماهی‌های قرمز، نرگس و سنبل، چند تخم مرغ پخته رنگین و نقاشی شده، نان سنگک یا تافتون، یک بشقاب سبزی پلو با کوکو و ماهی، سکه نقره، اسفند رنگ شده، شیر و ماست، پنیر، سبزی خوردن و شیرینی می‌گذارند. هر یک از این چیزها و خوراکی‌ها در فرهنگ ایرانی معنا و مفهومی نمادین دارد.

خوان نوروزی در نزدیک کردن اعضای خانواده و گردآوردن آنها به دور هم و نشستن بر سر سفره نوروزی نقش و اهمیت بسیار زیادی دارد. ایرانیان هر جا که باشند، در سفر و حضر و در راه دور و نزدیک،

می‌کوشند تا خود را پیش از تحویل سال به خانه برسانند و با پدر و مادر و خواهران و برادران و همسر و فرزندان بر سر سفره نوروزی حضور

داشته باشند. چون باور دارند اگر کسی در سر سال تحویل در خانه و بر سر سفره نباشد تا آخر سال از خانه و خانواده دور و آواره خواهد بود. به طور کلی، خوان نوروزی نقش مهم و برجسته‌ای در ایجاد وحدت و وفاق و همبستگی میان اعضای خانواده ایفا می‌کند.

### آداب تحویل سال در ایران کهن:

مردم گردش سال را در ایران دوره ساسانی رویدادی بزرگ و خجسته می‌انگاشتند و صبح نوروز را که "فجر" و سپید به منتهای نزدیکی خود به زمین می‌رسید" فرخنده‌ترین ساعات می‌پنداشتند و با نگرستن به آفتاب، تبرک و تیمن می‌جستند. از چگونگی رسم و آداب تحویل سال در میان توده‌های مردم گزارش‌هایی از دوران گذشته در دست نیست، آنچه به صورت مکتوب در دست است، چگونگی برگزاری تحویل سال در دربار شاهان ساسانی است. بنابراین روایات، در بامداد نوروز،

شاه با جامه‌ای از برد یمانی و مجموعه زیورها و گوهرها در دربار بر تخت می‌نشست. نخستین کسی که پس از تحویل سال به حضور او می‌رسید و از او دیدار می‌کرد، موبد موبدان بود. مردم قدم او را نیک و زبانش را خوش می‌پنداشتند و ورود او را به دربار و برای شاه و مردم شگون آور می‌دانستند.

ابوریحان بیرونی در آداب نخستین روز نوروز و خوردن چیزهایی برای تندرستی از قول «اصحاب نیرنگ» (دانشگران سحر و جادو) در «آثارالباقیه» می‌نویسد:

«هر کس بامداد نوروز پیش از آنکه سخن گوید سه مرتبه غسل بچشد و سه پاره موم دود کند از هر دردی شفا می‌یابد. یا هرکس در بامداد این روز پیش از آنکه سخن گوید شکر بچشد و با روغن زیتون تن خود را چرب کند در همه سال از انواع بلاها سالم خواهد ماند.» (بیرونی، ۱۳۶۳: ۳۴۵-۳۴۴)

### رسم آب پاشی

از رسم‌های کهن ایرانیان در نوروز رسم آب پاشی به یکدیگر و یا آب تنی و شست و شوی خود با آب بوده است. ابوریحان بیرونی در پیدایی رسم آب پاشی در میان

ایرانیان انگیزه‌های گوناگونی را یاد کرده است. مثلاً می‌نویسد: «چون تن انسان در زمستان به کثافات آتش، یعنی دود و خاکسترآلوده می‌شود، مردم با آب پاشی به خود، یا آب تنی، این کثافات را از خود دور و خویشتن را تطهیر و پاکیزه می‌کنند.» همچنین در سبب شستشوی تن یا آب پاشیدن به یکدیگر می‌نویسد:

«در این روز مردم به یکدیگر آب می‌پاشند و سبب این کار همان سبب اغتسال است و برخی گفته‌اند که علت این است که در کشور ایران دیرگاهی باران نبارید، ناگهان باران سخت ببارید و مردم به این باران تبرک جستند و از این آب به یکدیگر پاشیدند و این کار همینطور در ایران مرسوم بماند.» (بیرونی، ۱۹۲۳: ۲۱۸)

امروزه رسم کهن آب تنی و آب پاشی در نوروز کمتر در ایران معمول است، لیکن بقایای آن را در آئین‌های مربوط به جشن چهارشنبه سوری در برخی از جاهای ایران می‌توان دید. رسم آب فشانی در نوروز هنوز میان گروهی از مردم سرزمینهای همسایه ایران از جمله شیعیان پاکستان رایج است. (شهریارنقوی، ۱۳۵۶: ۱۲۱-۱۲۰)

### رسم نوروزانه

رسم نوروزانه یا عیدانه از دیرباز در میان اقشار مردم

ایران معمول بوده است. ابوریحان بیرونی از رسم هدیه فرستادن مردمان برای یکدیگر در نوروز سخن گفته و آن را همچون نوروز، رسم کهن و بنیانگذار آن را جمشید می‌داند. او در سبب پیدایش آن می‌نویسد: "جمشید روز نوروز نیشکر را در ایران یافت و دستور داد تا آب این نی را بیرون آورند و از آن شکر ساختند. از آن رو مردم از راه تبرک برای یکدیگر در نوروز شکر هدیه می‌فرستادند." (بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۸۳)

### جشن سیزده فروردین

سیزده، روز پایان دوره جشنهای نوروزی است. در این روز مردم بنابر یک سنت فرهنگی از خانه‌ها بیرون و به دشت و صحرا و باغ می‌روند. تا آخرین روز عید را در طبیعت و در کنار سبزه و گیاه و آب روان چشمه‌ها و جویبارها به شادی و خوشی بگذرانند. اعتقاد به ناخجستگی و نحسی شماره سیزده اعتقادی است بسیار کهن که در فرهنگ‌ها و در میان بیشتر اقوام و ملل جهان وجود داشته است. در نوشته‌های کهن تاریخی و ادبی ایران به نحس بودن سیزده فروردین اشاره‌ای نشده است. ابوریحان بیرونی روز تیر، یعنی ۱۳ از ماه تیر را نحس نوشته است.

برخی از پژوهشگران نیز عقیده دارند که مفهوم ناخجستگی روز سیزده فروردین در نخستین سال رصد زرتشت پدید آمده و تاکنون بازمانده است. اگر چه خاستگاه جشن سیزده فروردین کاملاً روشن نیست، لیکن در کهن بودن این جشن و جنبه همگانی و مردمی بودن آن تردیدی نمی‌توان کرد. درباره منشأ جشن سیزده نوروز نظرها و عقاید گوناگونی ابراز کرده‌اند؛ ذبیح بهروز دیدگاه خاصی درباره روز سیزده فروردین دارد و آن را جشن کهن و آریایی می‌داند. او روز سیزده نخستین نوروز سال، مبدأ گاه شماری ایرانی را که بنابر محاسبات گاه شماری از سه شنبه شروع می‌شد، روز یکشنبه و شب بدر می‌داند و می‌گوید: "این روز را ایرانیان از دیرباز جشن می‌گرفتند." (بهروز، ۱۳۴۰: ۵)

### مراسم سیزده بدر

آگاهی ما از چگونگی برگزاری مراسم سیزده به در از دوره قاجار پیشتر نمی‌رود. گرچه مهرداد بهار بنابر خواننده‌ها یا شنیده‌هایش به بیرون رفتن مردم از خانه در روز سیزده فروردین و جشن و پایکوبی در اماکن عمومی در دوران صفوی اشاره‌ای بس کوتاه می‌کند و آن را نشانی از آئین ارجی و آشوب همگانی در روز سیزده به

در می‌داند، اما از دوره قاجار به این سو، بنا به نوشته‌های سفرنامه‌ها، مراسم سیزده به در بسیار مفصل و باشکوه خاص برگزار می‌شد. پولاک (سیاح اروپایی) در شرح مفصلی که درباره نوروز نوشته، از مراسم سیزده نوروز یاد می‌کند و می‌نویسد: "سرانجام روز سیزدهم، یعنی آخرین روز عید فرا می‌رسد. مطابق با یک رسم کهن گویا تمام خانه‌ها در چنین روزی معروض خطر ویرانی هستند! به همین دلیل همه از دروازه شهر خارج می‌شوند و به باغها روی می‌آورند." (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۵۵)

#### منابع و مأخذ:

بلوکباشی، علی. نوروز، جشن نوزایی آفرینش. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۸۰

دمشقی، شمس‌الدین محمد. نخبه‌الدهرفی عجائب البر و البحر. ترجمه سید حمید طبیبیان تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران، ۱۳۵۷

تفضلی، احمد. تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. به کوشش ژاله آموزگار تهران: سخن، ۱۳۷۶

بیرونی، ابوریحان. آثارالباقیه عن القرون الخالیه. به کوشش زاخائو، آلمان، لایپزیک، ۱۹۲۳ میلادی

اذکایی، پرویز. نوروز، تاریخچه و مرجع شناسی، تهران: مرکز مردم شناسی ایران، ۱۳۵۳

تقی زاده، سید حسن. "نوروز". مقالات. به کوشش ایرج افشار، تهران: بی نا، ۱۳۴۹

متز، آدام. تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری. ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲

غزالی، ابوحامد امام محمد. کیمیای سعادت. به کوشش خدیوجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱

بیرونی، ابوریحان. التفهیم لاوائل صناعه التنجیم، به کوشش جلال همایی. تهران: بی نا، ۱۳۱۸

پولاک، ادوارد یاکوب. سفرنامه: ایران و ایرانیان. ترجمه کیکاوس جهاننداری. تهران: خوارزمی، ۱۳۶۱

کریستنسن، آرتور. نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه ای ایران. ترجمه احمد تفضلی و ژاله آموزگار تهران: نشر نو، ۱۳۶۸

بیرونی، ابوریحان. آثارالباقیه. ترجمه اکبر داناسرشت تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳

بهروز، ذبیح. "نوروز بهاری". ماهنامه فرهنگ. سال اول، اسفند ۱۳۴۰

معین، محمد. "جشن نوروز". جهان نو، سال اول، خرداد ۱۳۲۵

**Eliade, Mircea. The Myth of the Eternal  
Return, or cosmos and History. trans. by  
Willard R. Trask New York: Princeton  
University Press, 1974**



فصلنامه  
شماره ۲